

بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و محافظه‌کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران

علی ابراهیمی کردلر^۱، علیرضا شهریاری^{۲*}

۱. استادیار حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۰۹/۱۱، تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۰۶/۱۰)

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین برخی از نمایندگان هزینه سیاسی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های ایرانی می‌پردازد. فرضیه سیاسی بیان می‌دارد شرکت‌هایی که مورد موشکافی بیشتری قرار دارند هزینه‌های به نسبت بیشتری را در مقایسه با سایر شرکت‌ها متحمل می‌شوند و بنابراین برای گریز از این هزینه‌ها تمایل بیشتری به ارائه سود پایین‌تر و اعمال محافظه‌کاری دارند. در تحقیق حاضر ما از اطلاعات ۵ ساله (۱۳۸۱-۱۳۸۵) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده نموده ایم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین اندازه و شدت سرمایه‌گذاری با محافظه‌کاری یک رابطه منفی و بین درجه رقابت در صنعت و مالکیت دولتی با محافظه‌کاری یک رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین نرخ موثر مالیاتی و ریسک با محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری، هزینه‌های سیاسی، فرایندهای سیاسی، نرخ موثر مالیاتی، هزینه اطلاعات

۱. مقدمه

شرکت‌ها به عنوان واحدهای اقتصادی، همواره به دنبال سودآوری و دستیابی به ثروت بیشتر می‌باشند. به دلایل مختلفی که مهمترین آنها جدایی مالکیت از مدیریت می‌باشند، شرکت‌ها علاوه بر وظیفه انجام فعالیت اقتصادی، وظیفه پاسخگویی به افراد بیرون از شرکت را نیز بر عهده دارند. کاراترین شکل پاسخگویی، بر اساس شواهد تجربی، گزارشگری مالی می‌باشد [۱۹]. بنابراین به نظر می‌رسد که شرکتها نه تنها وظیفه انجام فعالیت اقتصادی را بر دوش خود دارند، بلکه مجبور به گزارشگری در مورد نتایج فعالیت خود می‌باشند و به همان میزانی که انتظار می‌رود در انجام فعالیت اقتصادی، سعی در کاهش هزینه‌ها و درآمدهای خود داشته باشند، تلاش می‌کنند گزارشگری مالی خود را در جهت هدایت نمایند که تفسیر استفاده کنندگان از صورت‌های مالی موجب انتقال ثروت به خارج از شرکت نشود. به عبارت دیگر شرکت‌ها، جدای از ارائه صادقانه نتایج عملیات و وضعیت مالی که مورد نظر نهادهای تدوین کننده استانداردهای حسابداری می‌باشد، به عواقب اقتصادی گزارشات مالی نیز توجه می‌کنند. توجه به عواقب اقتصادی موجب می‌شود که صورت‌های مالی، دیگر ارائه صادقانه نتایج فعالیت‌های شرکت نباشند. عدم ارائه صادقانه نتایج عملیات، عموماً خود را به شکل ارائه سود کمتر یا بیشتر از واقع نشان می‌دهد.

شکل ناکارای استفاده از گزارشگری مالی در جهت کاهش عواقب اقتصادی نامساعد، عدم رعایت استانداردهای حسابداری است که به علت حسابرسی صورت‌های مالی و واکنش استفاده کنندگان صورت‌های مالی به گزارش حسابرس، کمتر مشاهده می‌شود [۱۶]. شکل دیگر، استفاده از استانداردهایی است که عنصر قضاوت مدیریت را در تصمیم گیری‌های گزارشگری باقی می‌گذارد [۶]. تمرکز تحقیق فعلی، بر آن دسته از قضاوت‌های مدیریتی و دلایل آنهاست که در جهت ارائه سود کمتر از واقع، صورت می‌گیرند. از آنجا که تمامی روش‌های مورد استفاده در جهت ارائه سود کمتر از واقع که در چارچوب استانداردهای حسابداری قرار می‌گیرند منجر به نوعی عدم تقارن در شناسایی سودها و زیان‌ها می‌شود، ما در این تحقیق، مفهوم محافظه‌کاری را معادل ارائه سود کمتر از واقع فرض می‌نماییم.

یکی از مصادیق اصلی انتقال ثروت به خارج از شرکت هزینه‌های سیاسی است که شرکت‌ها به دلیل وجود هزینه‌های اطلاعات، مبادلات، و رایزنی از سوی گروه‌های تصمیم‌گیرنده و قانونگذار که اصلی‌ترین آنها نهادهای دولتی می‌باشند، تحمل می‌کنند. برخی از شرکت‌ها با مشخصات اقتصادی خاص، بیشتر موضوع قوانین سختی که دولت یا

سایر گروه‌های قانونگذار وضع می‌کنند و هزینه در پی دارند قرار می‌گیرند و بنابراین برای فرار از این گونه هزینه‌ها (عواقب اقتصادی)، انگیزه بیشتری برای استفاده از گزارشگری در جهت کاهش خروج منافع از شرکت خواهند داشت.

ادامه مقاله به شرح زیر ارائه شده است؛ در بخش ۲، فرضیات تحقیق را توسعه و پیشینه تحقیقات مربوطه را شرح می‌دهیم. در بخش ۳، مدل تحقیق، تعریف عملیاتی متغیرها، جامعه آماری، و محدودیت‌های تحقیق حاضر مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در بخش ۴، نتایج آماری تحقیق و در بخش ۵، نتیجه‌گیری کلی در مورد تک تک فرضیات ارائه می‌شود.

۲. توسعه فرضیات

اندازه

جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) بحث کرده‌اند که شرکت‌ها مورد حملات سیاسی قرار می‌گیرند. وکلای مردم انگیزه دارند که برای انتقال‌های ثروت از شرکت‌ها به خودشان یا موکلان خود موضع بگیرند. این موضع‌ها به شکل بحث در مورد مسئولیت اجتماعی بیشتر شرکت‌ها و الزام بعضی از آنها به پرداخت مبالغی جهت موارد اجتماعی (سیل، زلزله، جنگ و...)، تحمیل نرخ‌های مالیات بالاتر به آنها، یا محروم کردن آنها از بعضی از مزایا و حقوق صورت گیرد. هزینه‌های تحمیل شده به شرکت‌ها تابعی از اندازه آنها هستند چرا که شرکت‌های کوچکتر کمتر قابل مشاهده هستند و بنابراین کمتر موضوع توزیع‌های سیاسی ثروت هستند [۱۲]. شرکت‌ها شماری از تاکتیک‌ها را در اختیار دارند که می‌توانند برای کاهش این هزینه‌ها به کار گیرند. مدیریت این شرکت‌ها ممکن است سود خالص گزارش شده را به منظور اجتناب از توجه رسانه‌ها کاهش دهند. منطق این تاکتیک روشن است چرا که رسانه‌ها علاقه زیادی به انتشار اطلاعات در مورد شرکت‌های بزرگ، از قبیل آلاینده بودن محصولات این شرکت‌ها، افزایش‌های غیر عادی سود، حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان و مدیران و... دارند. بنابراین شرکت‌های بزرگ انگیزه خواهند داشت که میزانی از محافظه‌کاری را در گزارشگری خود اعمال نمایند. این فرضیه توسط واتس و زیمرمن (۱۹۷۸) پشتیبانی شده است.

۱. بین اندازه و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.

ریسک

در حالت تعادل بازدهی مورد انتظار سرمایه با ریسک سیستماتیک رابطه مثبت دارد. بنابراین شرکت‌ها با ریسک‌های سیستماتیک بالاتر به طور میانگین بازدهی‌های حسابداری

بالاتر دارند. این بدان معنی است که اگر سیاستمداران سود گزارش شده شرکت‌ها را از لحاظ ریسک تعدیل نکنند شرکت‌های پریسک‌تر به نظر سودهای مازاد به دست می‌آورند و بنابراین مورد توجه قانونگذاران قرار می‌گیرند.

یک عامل مرتبط با ریسک دیگری نیز وجود دارد که انتخاب حسابداری محافظه‌کارانه یا غیرمحافظه‌کارانه شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تغییرات سودهای حسابداری شرکت‌هایی که به طور طبیعی انحرافات سودی بالایی از زمانی به زمان دیگر دارند منجر به وجود آمدن این تصور می‌شود که این گونه شرکت‌ها (درسال‌هایی که انحراف سودی مثبت دارند) سودهای غیرعادی به دست می‌آورند. این مطلب چنین شرکت‌هایی را در معرض هزینه‌های سیاسی قرار می‌دهد. بنابراین این شرکت‌ها انگیزه دارند میانگین توزیع‌های سود گزارش شده خود را از طریق محافظه‌کاری و عدم‌محافظه‌کاری کاهش دهند بتای سود حسابداری باید به عنوان یک نماینده منطقی برای انحرافات سود حسابداری به کار گرفته شود چرا که ریسک سیستماتیک یک بخش بزرگ از کل ریسک است و بنابراین ما انتظار داریم شرکت‌های پر ریسک محافظه‌کاری بیشتری اعمال نمایند [۱۲].

۲. بین ریسک و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.

شدت سرمایه‌گذاری^۱

بحث‌های مشابه فوق می‌توانند در مورد درجه شدت سرمایه‌گذاری بیان شوند. شرکت‌هایی که از یک تکنولوژی سخت سرمایه استفاده می‌کنند هزینه فرصت سرمایه را در محاسبه سود خالص وارد نمی‌کنند. بنابراین به طور میانگین شرکتی که حجم بالایی از اموال ماشین‌آلات و تجهیزات را در اختیار دارد، سودهای بالاتری نسبت به شرکتی که حجم کمتری از اموال ماشین‌آلات و تجهیزات را در اختیار دارد، گزارش می‌کند ولو اینکه سود اقتصادی هر دوی این شرکت‌ها یکی است [۱۲]. بنابراین ما فرضیه می‌سازیم شرکت‌هایی که حجم بالایی از اموال ماشین‌آلات و تجهیزات را در اختیار دارند و موضوع هزینه‌های سیاسی قرار می‌گیرند انگیزه دارند که سود گزارش شده را از طریق اعمال محافظه‌کاری بیشتر کاهش دهند.

۳. بین شدت سرمایه‌گذاری و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.

1. Capital intensity

رقابت

مدیران انگیزه داند در مقابل انتقال ثروت ایستادگی کنند، چرا که این گونه انتقال‌ها ارزش شرکت را به طور مداوم کاهش می‌دهند. به همان ترتیب آنها می‌خواهند از رقابت اضافی ممانعت کنند چرا که رقابت نیز ارزش شرکت و همین طور حقوق و موابجی که مدیران دریافت می‌کنند را کاهش خواهد داد. این موضوع مصداق بارز همان ضرب‌المثل قدیمی است که «جنگ هزینه‌بر است». بنابراین مدیران به نفع خودشان می‌خواهند که رقابت بالقوه را کاهش دهند.

حداقل ۲ دلیل وجود دارد که سود حسابداری بالای گزارش شده رقابت را افزایش می‌دهد. اولی احتمال اقدامات ضدتراستی که می‌تواند منجر به تکه تکه شدن شرکت و یا بعضی اقدامات دولتی که رقابت را افزایش خواهد داد می‌باشد. سودهای گزارش شده توسط بخش قضایی برای تشخیص قدرت بازار و توسط اشخاص برای بیان این که کدام شرکت‌های خاص می‌توانند برای نقض‌های ضدتراستی ممکن مورد بررسی قرار گیرند انتخاب شوند (مساله فوق شبیه تست دوپینگی است که معمولاً از «قهرمانان» گرفته می‌شود به جای آنکه از ورزشکارانی که در مراحل مقدماتی حذف می‌شوند). مدیران شرکت‌هایی که رانت‌های انحصاری به دست می‌آورند انگیزه دارند به منظور اجتناب از اقدامات ضدتراستی که می‌تواند ارزش شرکت را کاهش دهد، سودهای گزارش شده حسابداری را کمتر از واقع ارائه کنند [۱۲].

۴. بین درجه رقابت در صنعت و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.

مالکیت دولتی

دولت به عنوان اصلی‌ترین حامی اقتصاد هر کشور همواره نقش قیم را برای واحدهای اقتصادی در هر جامعه ایفا کرده است. دولت‌ها به دلیل در اختیار گرفتن قدرت تصمیم‌گیری در شرکت‌ها و پیاده کردن سیاست‌های کلان خود همواره یک سرمایه‌گذار بزرگ در کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً ایران بوده است. جدای از بحث‌های مربوط به معایب یا مزایای این گونه مالکیت، باید این نکته در نظر گرفته شود که سیستم گزارشگری و حسابداری شرکت‌ها که متاثر از حاکمیت شرکتی آنها می‌باشد تحت تاثیر نوع مالکیت شرکت قرار می‌گیرد. استدلال ارائه شده این است که شرکت‌های تحت تملک دولت به دلیل برخورداری از شرایط خاص (اتصال سیاسی با دولت)، هزینه‌های کمتری را از سوی دولت را تحمل می‌کنند [۸]. باید توجه داشت که یکی از عوامل اصلی

استفاده از حسابداری محافظه کارانه فرار از تحمل هزینه های سیاسی بالاست. شرکت هایی که به دلیل اتصال به دولت هزینه های سیاسی پایین تری را متحمل می شوند در نتیجه انگیزه کمتری هم برای استفاده از حسابداری محافظه کارانه خواهند داشت.

۵. بین مالکیت دولتی و محافظه کاری رابطه معناداری وجود دارد.

نرخ موثر مالیاتی

متغیر دیگر اثرگذار بر نحوه عمل های حسابداری محافظه کارانه شرکت ها که در ادبیات تحقیق نیز مورد توجه زیادی قرار گرفته است نرخ موثر مالیاتی می باشد. چنین فرض شده است که با افزایش نرخ موثر مالیاتی، شرکت ها انگیزه های بیشتری برای استفاده از نحوه عمل های حسابداری محافظه کارانه پیدا می کنند. میزان این اثرگذاری آن گونه است که نرخ موثر مالیاتی به عنوان یک هزینه سیاسی مطرح گشته و روابط متغیرهای متفاوتی از جمله اندازه شرکت با آن در ادبیات تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. [۱۸]

۶. بین نرخ موثر مالیاتی و محافظه کاری رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تحقیقات

واتس و زیمرمن (۱۹۷۸)، زیمسکی و هاگرمن (۱۹۷۹)، دیکین (۱۹۷۹)، لیهن و پاستنا (۱۹۸۲)، دالو و ویگلند (۱۹۸۳)، داوال و سالامون و اسمیچ (۱۹۸۲) همگی پی می برند که بین اندازه شرکت و محافظه کاری یک رابطه منفی معنادار وجود دارد. بورن، نورن و لاسی (۱۹۸۱)، هاگرمن و زیمسکی (۱۹۷۹) به این نتیجه رسیدند که بین اندازه و محافظه کاری رابطه مثبت می باشد. [۱۹] هاگرمن و زیمسکی (۱۹۷۹) بیان می کنند که با افزایش انحصار در صنعت تمایل شرکت ها به محافظه کاری افزایش می یابد. [۱۲] لافوند و واتس (۲۰۰۷) مشاهده نمودند که محافظه کاری موجب به وجود آمدن نوعی عدم تقارن اطلاعاتی می شود. احمد و دیولمن (۲۰۰۷) بیان می کند که محافظه کاری با افزایش درصد اعضای موظف هیئت مدیره کاهش می یابد. نتیجه دیگر به دست آمده از تحقیق آنها این بوده است که محافظه کاری در نتیجه افزایش درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره افزایش می یابد. لافوند و رویچری (۲۰۰۷) به این نتیجه رسید که اگر محافظه کاری را عدم تقارن در به موقعی بودن سودها و زیانها بدانیم، مالکیت مدیریتی یک رابطه معکوس با محافظه کاری خواهد داشت. لارا، اوسما، و پنالوا (۲۰۰۷) پی می برند که حاکمیت شرکتی قوی تر موجب افزایش میزان محافظه کاری خواهد شد. [۱۸] احمد و همکاران (۲۰۰۰) مشاهده نمودند که با افزایش هزینه بدهی محافظه کاری کاهش می یابد.

[۳] بیکس (۲۰۰۴) در تایید احمد و دیولمن (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که حضور تعداد بیشتری از اعضای غیرموظف در هیئت مدیره موجب افزایش میزان محافظه‌کاری خواهد شد. بیٹی (۲۰۰۸) پی می‌برند که تغییرات بدهی (مذاکره‌های مجدد قراردادهای بدهی) در غیاب حسابداری محافظه کارانه بیشتر خواهد بود. نیکولاو (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که محدودیت‌های بدهی بالاتر موجب اعمال محافظه‌کاری بیشتر خواهد شد. چن (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که محافظه‌کاری بیشتر مدیریت سود را کاهش می‌دهد. راجان (۲۰۰۶) مشاهده کردند که رشد بالاتر موجب کاهش نرخ بازدهی دارایی‌ها و محافظه‌کاری بیشتر می‌شود. [۲۰] در ایران نیز دکتر بهمن بنی‌مهد (رساله دکتری) به رابطه معناداری بین اندازه و محافظه‌کاری دست نیافت. [۱] پور حیدری و همتی (۱۳۸۳) در حالی که از متغیر کل فروش به عنوان نماینده هزینه سیاسی استفاده می‌کنند، بین اندازه و تمایل به کاهش سود به یک رابطه مثبت پی می‌برند. آنها با استفاده از تعداد کارکنان شرکت به عنوان متغیر نماینده هزینه سیاسی به یک رابطه منفی دست یافتند. [۲]

۳. روش تحقیق مقاله حاضر

مدل تحقیق حاضر که برای بررسی رابطه هزینه‌های سیاسی و محافظه‌کاری مورد استفاده قرار گرفته است، به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{CONSER}_{it} = \alpha + \beta_1 \text{SIZE}_{it} + \beta_2 \text{RATIO}_{it} + \beta_3 \text{CAPINT}_{it} + \beta_4 \text{ETR}_{it} + \beta_5 \text{BETA}_{it} + \beta_6 \text{GOVOWN}_{it} + \beta_7 \text{CONOWN}_{it} + \beta_8 \text{LEV}_{it} + \beta_9 \text{GROWTH}_{it} + \beta_{10} \text{MBV}_{it} + \beta_{11} \text{ROA}_{it} + \beta_{(12-15)} \text{YEAR}_{it} + \beta_{(16-30)} \text{INDUSTRY}_{it}$$

تعریف عملیاتی متغیرهای مدل تحقیق

شاخص محافظه‌کاری: (سود عملیاتی + هزینه استهلاک - جریان نقدی حاصل از عملیات) / جمع دارایی‌های اول دوره * (-۱) [۱۱]

اندازه (SIZE)

در تحقیق حاضر به پیروی از تحقیقات انجام شده در ادبیات مربوطه می‌توان از ۲ متغیر به عنوان معیار اندازه شرکت کمک گرفت. دراشید و زانگ (۲۰۰۳) از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های پایان دوره و زیمرمن (۱۹۸۳) از لگاریتم جمع درآمد فروش به عنوان نماینده اندازه شرکت استفاده نموده‌اند [۱۷]. درآمد فروش یک اثر درونی بر سود قبل از بهره و مالیات، هزینه مالیات بر درآمد، و نهایتاً نرخ موثر مالیاتی دارد. این اثر درونی می‌تواند نتایج تحقیق را دستخوش روابطی نماید که مورد نظر محقق نبوده و آنها را غیرقابل اتکا

خواهد نمود. بنابراین در تحقیق حاضر از دیگر نماینده اندازه شرکت یعنی لگاریتم طبیعی جمع دارایی های پایان دوره استفاده شده است.

مالکیت دولتی (GOVOWN): مجموع سهامی که در اختیار شرکت ها سازمان ها و نهادهای دولتی است که به طور مستقیم، مالک شرکت می باشند [۵].

شدت سرمایه گذاری (CAPINT): خالص دارایی های ثابت (اموال ماشین آلات و تجهیزات) به ارزش دفتری کل دارایی های پایان دوره [۱۵].

درجه تمرکز (RATIO): لگاریتم طبیعی تعداد شرکت های فعال در صنعت ریسک (RISK): این متغیر ضریب بتای به دست آمده از مدل CAPM تعریف شده است [۱۲]. این ضریب از بازدهی ۱۲ ماهه شرکت های پذیرفته شده در بورس و از طریق نرم افزار ره آورد نوین محاسبه شده است.

نرخ موثر مالیاتی (ETR): هزینه مالیات به سود عملیاتی [۹].

رشد (GROWTH): تغییرات دارایی ها به دارایی های اول دوره [۱۴].

اهرم مالی (LEV): کل بدهی ها به کل دارایی های پایان دوره [۷].

نرخ بازدهی دارایی ها (ROA): سود خالص به دارایی های پایان دوره [۱۳].

صنعت (INDUSTRY)

در تحقیق حاضر که از شرکت های فعال در ۱۶ صنعت استفاده شده است برای در نظر گرفتن اثر کنترلی متغیر صنعت از ۱۵ متغیر مجازی در مدل رگرسیون استفاده نموده ایم. سال (YEAR): در تحقیق حاضر که از اطلاعات ۵ ساله شرکت ها استفاده شده است برای در نظر گرفتن اثر سال از ۴ متغیر مجازی در مدل رگرسیون استفاده نموده ایم.

جامعه و نمونه آماری، روش نمونه گیری و قلمرو زمانی تحقیق

جامعه آماری تحقیق حاضر شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

این نمونه شامل شرکت هایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- شرکت هایی که از سال ۱۳۸۰ پذیرفته شده باشند.
- شرکت سرمایه گذاری یا با فعالیت خاص (مثل تامین مالی) نباشند.
- شرکت هایی که پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند هر سال باشد.
- شرکت هایی که در طول دوره زمانی تحقیق سال مالی خود را تغییر نداده باشند
- شرکت هایی که در دوره مورد بررسی توقف معامله بیش از یک ماه نداشته باشند.
- شرکت هایی که در مورد بررسی توقف فعالیت دراز مدت نداشته باشند

- شرکت‌هایی که سود یا جریان نقدی عملیاتی آنها منفی نباشد.
 - شرکت‌هایی که داده‌های آنها در دسترس باشد.
- با توجه به شرایط فوق تنها ۷۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ شرایط فوق را دارا بوده و لذا به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. نمونه آماری ما پس از اعمال محدودیت‌های فوق شامل ۲۸۴ سال-شرکت بوده است.

نگاره ۱. تعداد نمونه شرکت‌های حاضر در تحقیق

تعداد سال - شرکت	تعداد سال - شرکت در دسترس:	
شرح محدودیت	تعداد سال- شرکت‌های مشمول محدودیت	تعداد نمونه باقی مانده
پایان سال مالی مشابه	۱۵۰ سال- شرکت	۷۱۵ سال- شرکت
عدم تغییر سال مالی	۱۶ سال- شرکت	۶۹۹ سال- شرکت
شرکت‌های با فعالیت خاص	۸۵ سال- شرکت	۶۱۴ سال- شرکت
جریان نقدی عملیاتی منفی	۳۳۰ سال - شرکت	۲۸۴ سال- شرکت

۴. اطلاعات توصیفی متغیرهای مدل رگرسیون تحقیق

نگاره ۲ مقادیر میانگین انحراف معیار حداکثر حداقل و تعداد را برای متغیرهای مدل رگرسیون نشان می‌دهد.

نگاره ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای مدل رگرسیون تحقیق

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
محافظه کاری	-۰/۶۴	۲۱/۸۵	۰/۱۱	۱/۳۷
اندازه	۴/۲۹	۷/۷۵	۵/۴۸	۰/۶۳
درجه تمرکز	۰/۰۰	۱/۴۸	۱/۲۰	۰/۳۷
شدت سرمایه‌گذاری	۰/۰۰	۰/۷۴	۰/۲۲	۰/۱۵
ریسک	-۳/۲۴	۲/۵۵	۱/۲۶	۲/۱۲
مالکیت دولتی	۰/۰۰	۰/۹۹	۰/۵۶	۰/۳۱
نرخ موثر مالیاتی	-۰/۰۶	۰/۴۱	۰/۱۲	۰/۰۷
اهرم مالی	۰/۱۷	۲/۴۴	۰/۶۸	۰/۲۱
رشد	-۰/۹۹	۲۸/۲۸	۰/۵۷	۲/۶۱
ارزش بازار به ارزش دفتری	-۶/۰۱	۳۸/۷۳	۴/۲۵	۴/۹۲
بازده دارایی‌ها	-۰/۳۲	۰/۴۸	۰/۱۶	۰/۱۲

بررسی مفروضات مدل رگرسیون بخش اول

همانطور که در نگاره ۳ مشاهده می شود، R ، R^2 ، R^2 تعدیل شده به ترتیب عبارتند از: ۰/۵۳، ۰/۲۹، ۰/۲۰ می باشد. مقدار آماره دوربین- واتسون برابر ۱/۹۸ است که نشان می دهد در بین متغیرهای مدل ارائه شده خود همبستگی وجود ندارد. آماره F آزمون ANOVA نیز ۳/۴۵ می باشد که خطی بودن مدل رگرسیون را نشان می دهد. نگاره ۳ ضرایب و سطوح معناداری را برای روابط درونی میان متغیرهای مدل رگرسیون نشان می دهد.

نگاره ۳. ضرایب بنا، سطوح معناداری، و همبستگی میان متغیرهای تحقیق

متغیر	ضرایب	محافظة کاری	اندازه	درجه تمرکز	شدت سرمایه گذاری	ریسک	مالکیت دولتی	نرخ موثر مالیاتی
محافظة کاری		۱***	-۰/۰۹*	-۰/۰۶	-۰/۰۳	-۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۰۵
اندازه	-۰/۵۶***		۱***	۰/۲۷***	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۱۱**	-۰/۱۵***
درجه تمرکز	۹/۱۷***			۱***	-۰/۱۱**	-۰/۰۶	۰/۲۸***	-۰/۰۴
شدت سرمایه گذاری	-۱/۳۲**				۱***	۰/۰۱	۰/۱۰**	۰/۰۷
ریسک	-۰/۰۰۲					۱***	۰/۰۰۳	۰/۰۹*
مالکیت دولتی	۰/۷۳**						۱***	-۰/۰۴
نرخ موثر مالیاتی	۰/۷۰							۱***
*** معنادار در سطح ۱ درصد، * معنادار در سطح ۵ درصد، * معنادار در سطح ۱۰ درصد								
قدرت مدل					مفروضات مدل			
R = ۰/۵۳					آماره دوربین واتسون = ۱/۹۸			
R ² = ۰/۲۹ =					آماره (F) anova = ۳/۴۶***			
R ² = ۰/۲۰ تعدیل شده								

نگاره ۴ نتایج فرضیات تحقیق را نشان می دهد.

نگاره ۴. نتایج فرضیات تحقیق

نتایج فرضیات تحقیق		
ردیف	عنوان فرضیه	وضعیت رد یا تایید
۱	بین اندازه شرکت و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.	تایید (معکوس)
۲	بین درجه رقابت در صنعت و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.	تایید (مستقیم)
۳	بین شدت سرمایه‌گذاری و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.	تایید (معکوس)
۴	بین ریسک و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.	رد
۵	بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.	تایید (مستقیم)
۶	بین نرخ موثر مالیاتی و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.	رد

۵. ارزیابی نتایج فرضیات تحقیق

- با افزایش اندازه، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد.

شواهد ما در مورد فرضیه اول تحقیق نشان می‌دهد که بین اندازه و محافظه‌کاری در شرکت‌های ایرانی در سطح معناداری یک درصد، یک رابطه معکوس وجود دارد. این نتیجه در تناقض نتایج به دست آمده از شرکت‌های غربی است. اگر شرکت‌ها با افزایش اندازه منابع بیشتری برای برنامه‌ریزی‌های مالیاتی، دریافت مشاوره‌ها و آگاهی از معافیت‌های مختلف به دست می‌آورند، برای فرار از هزینه‌های سیاسی محافظه‌کاری بیشتری اعمال نمی‌کنند. دلیل دیگر، عدم وجود تضاعدی بودن نرخ‌های مالیاتی است. این نتیجه ناهماهنگ با واتس و زیمرمن (۱۹۷۸)، زیمسکی و هاگرمن (۱۹۷۹)، دیکین (۱۹۷۹)، لیهن و پاستنا (۱۹۸۲)، دالو و ویگلند (۱۹۸۳)، داوال و سالامون و اسمیچ (۱۹۸۲) و هماهنگ با بورن، نورن و لاسی (۱۹۸۱)، هاگرمن و زیمسکی (۱۹۷۹) می‌باشد. پور حیدری و همتی (۱۳۸۳) نیز در ایران زمانی که از تعداد کارکنان به عنوان نماینده اندازه استفاده نمودند به نتایج مشابه تحقیق حاضر دست یافتند.

- با افزایش درجه رقابت در صنعت محافظه‌کاری افزایش می‌یابد.

بیان شد که با افزایش انحصار (کاهش رقابت) در یک صنعت، تمایل شرکت‌های فعال در آن صنعت به ارائه سود پایین تر بیشتر می‌شود. دلیل زیر بنایی نیز این است که شرکت‌های حاضر تمایل به اضافه شدن دست‌های اضافی و کسب بازار توسط شرکت‌های جدید ندارند. بنابراین تلاش می‌کنند با ارائه سود پایین تر به عنوان محرک عمل نکنند. نتیجه به دست

آمده از تحقیق حاضر نشان می دهد که در سطح معناداری یک درصد، بین درجه تمرکز و محافظه کاری یک رابطه معکوس برقرار است. با توجه به ناهمبستگی مشاهده شده در نتیجه به دست آمده از فرضیه قبل (اندازه و محافظه کاری) با نتایج تحقیقات مشابه غربی، به نظر می رسد مقایسه نتیجه این فرضیه با شواهد غربی معقول نباشد. نتیجه به دست آمده از این فرضیه در تناقض با هاگرمن و زیمسکی (۱۹۷۹) می باشد. تحقیقات بیشتری در مورد رابطه بین درجه رقابت و محافظه کاری صورت نگرفته است و این فرضیه در حال تکامل می باشد.

• افزایش شدت سرمایه گذاری، محافظه کاری را کاهش می دهد.

نتایج تحقیق نشان می دهد که بین شدت سرمایه گذاری و محافظه کاری در سطح معناداری پنج درصد رابطه ای معکوس وجود دارد. رابطه بین شدت سرمایه گذاری و محافظه کاری به دست آمده کاملاً همبستگی با نتایج سایر تحقیقات مشابه انجام شده دارد.

• بین ریسک و محافظه کاری رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه این فرضیه همبستگی با هاگرمن و زیمسکی (۱۹۷۹) می باشد. شرکت ها برای کاهش نوسانات سودی خود احتمالاً از محافظه کاری استفاده نمی کنند. از آن جایی که ممکن است شرکت ها در یک سال افزایش سود و سال دیگر کاهش داشته باشند در یک سال از محافظه کاری برای نزدیک کردن سود افزایش یافته به میانگین استفاده می کنند اما در سالی که کاهش سود را تجربه می کنند به دنبال افزایش سود و در نتیجه کنارگذاری محافظه کاری خواهند بود. بنابراین نباید به ریسک به عنوان یک نماینده ای که دائماً انگیزه کاهش سود را به وجود می آورد نگریست.

• افزایش مالکیت دولتی موجب افزایش محافظه کاری است.

نتیجه این فرضیه نشان می دهد که در سطح معناداری پنج درصد، با افزایش مالکیت دولتی تمایل به محافظه کاری نیز کاهش می یابد. این موضوع بیانگر آن است که شرکت های دولتی جدای از مالیات هزینه های دیگری نیز متحمل می شوند و آن هزینه ها هستند که موجب تحریک آنها به اعمال محافظه کاری بیشتر در حسابداری و گزارشگری شان می شود. به عبارت دیگر، اگر چه شرکت های دولتی نرخ های موثر مالیاتی پایین تری را متحمل می شوند، اما همچنان برای فرار از هزینه های نامشهود دیگر تمایل به محافظه کاری خواهند داشت. این هزینه های نامشهود می تواند به اجرای برنامه های دیر بازده یا کم بازده دولت نسبت داده شود.

• بین نرخ موثر مالیاتی و محافظه کاری رابطه معناداری وجود ندارد

شواهد به دست آمده نشان می‌دهد که بین نرخ موثر مالیاتی و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود ندارد.

شرکت‌هایی که نرخ موثر مالیاتی بالاتری را متحمل می‌شوند تمایل به نسبت بیشتری به اعمال محافظه‌کاری ندارند.

منابع

۱. بنی‌مهد بهمن. تبیین و ارائه الگو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری. رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات؛ ۱۳۸۵.
۲. پورحیدری امید، همتی داود. بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش، و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۱۳۸۳، ص ۴۷.
3. Ahmed A.S, R.M. Morton and T.F. Schhaefer. Accounting conservatism and the valuation of accounting numbers: Evidence on the Feltham-Ohlson (1996) model. *Journal of Accounting, Auditing & Finance* 2000; 15: 271-292.
4. Ahmed A.S, Billings B.K, Morton R.M, Stanford-Harris M. The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs. *The Accounting Review* 2002; 77: 867-890.
5. Astami Emita, Tower Greg. Accounting Policy Choice and Firm Characteristics in the Asia Ppacific Region: An International Empirical Test of Costly Contracting Theory, *International Journal of Accounting* 2006; 41: 1-21
6. Beaver W.H, and S.G Ryan. Biases and Logs in Book Value and Their Effects on the Ability of the Book-to- Market Ratio to Predict Book Return on Equity. *Journal of Accounting Research* 2000; 38: 1359-1373.
7. Beatty A, Weber J, Yu J. Conservatism and debt. Working Paper, The Ohio State University; 2006.
8. Black B, and Coffee J. Hail Britannia: institutional investor behavior under limited regulation, *Michigan Law Review* 1994; 92: 1997-2087.
9. Dunbar A, and R Sansing. Measuring corporate tax preferences. *Journal of the American Taxation Association* 2002; 24: 1-17.
10. Fields Thomas, Iys Thomas, Vincent Linda. Empirical Research on Accounting Choice., SSRN; 2001.
11. Givoly D, and C. Hayn. the Changing Time Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Accounting Become

- More Conservative? *Journal of Accounting & Economics* 2000; 29: 287-320.
12. Hagerman Robert, L zmijewski. Mark, 1978, Some Economic Determinants of Accounting Policy Choice, *Journal of Accounting and Economics* 1979; 1: 141-161.
 13. pae J, Thornton D.B, Welker M. The link between earnings conservatism and the price-to-book ratio. *Contemporary Accounting Research* 2005; 22: 693-717.
 14. Roychowdhury S, R.L. Watts. Asymmetric timeliness of earnings, market-to-book and conservatism in financial reporting. Working Paper, Massachusetts Institute of Technology; 2006.
 15. Smith C.W, Watts R.L. The investment opportunity set and corporate financing, dividend and compensation policies. *Journal of Financial Economics* 1992; 32: 263-292.
 16. wats R.L. A proposal for research on conservatism. Working paper, University of Rochester (presented at American Accounting Association national meeting , San Francisco, CA); 1993.
 17. Zimmerman J.L. Taxes and firm size. *Journal of Accounting and Economics* 1983; 5: 119-149.
 18. Watts R.L. Corporate financial statements, a product of the market and political processes. *Australian Journal of Management* 1977; 2: 53-75.
 19. Watts R.L., Zimmerman J.L. *Positive Accounting Theory*. New Jersey, Prentice Hall; 1986.
 20. Z. Anwer S. Ahmed and Scott Duellman, *Accounting Conservatism and Board Director Characteristics: An Empirical Analysis*, SSRN; 2007.